

الگوهای ارتباطات میان فردی والدین و فرزندان در خانواده (تحلیل تجربه فرزندان در خانواده‌های تهرانی)

● منصور ساعی^۱

چکیده

خانواده نخستین نهاد اجتماعی است که در آن، فرزندان نوع و کیفیت ارتباطات میان فردی و کنش ارتباطی را با والدین خود تجربه می‌کنند. اعضای خانواده از طریق سازوکار ارتباطات میان فردی نیازها، خواسته‌ها، عواطف، نگرانی‌ها، دغدغه‌ها، تجربه‌ها، افکار، دیدگاه‌ها و احساسات خود را با یکدیگر در میان می‌گذارند؛ مشورت می‌کنند؛ تصمیم می‌گیرند؛ از همدیگر حمایت و پشتیبانی عاطفی و روانی می‌کنند و تضادها و تنش‌ها را رفع می‌کنند. هدف مطالعه پیش رو تحلیل الگوهای ارتباطات میان فردی والدین و فرزندان در خانواده است. بدین منظور، با رویکرد کیفی، مصاحبه‌های عمقی با هدف تحلیل تجربه زیسته ۴۰ نفر از دانش‌آموزان دختر و پسر در مقطع متوسطه دوم در ۱۰ دبیرستان دولتی در ۵ نقطه شهر تهران صورت گرفت. تحلیل تجربه زیسته نوجوانان مورد مطالعه نشان می‌دهد که عمده‌ترین گفت‌وگوهای فرزندان و والدین در خانواده از نوع «گفت‌وگوی گزارش‌محور» یا اطلاع‌رسان در مورد «فعالیت‌های آموزشی و درسی فرزندان و اتفاقات مدرسه و یا فعالیت‌های روزمره اعضای خانواده» است. نتایج پژوهش حاکی است که سه الگوی ارتباطات کلامی «گفت‌وشنودی و مشارکتی»، «الگوی مناظره‌ای و جدلی» و «الگوی تک‌گویی نصیحت‌محور و سرزنش‌آمیز» در روابط بین والدین و فرزندان قابل مشاهده است.

واژگان کلیدی

ارتباطات میان فردی، خانواده، والدین، فرزندان، الگوی ارتباطات.

مقدمه

امروزه در کمتر خانواده ایرانی ای والدین و فرزندان دور هم جمع می‌شوند و درباره موضوعات مختلف با هم گفت‌وگو و بحث می‌کنند و کمتر نظرهای همدیگر را راجع به موضوعات مختلف جویا می‌شوند. اگر گفت‌وگوی کوتاهی هم شکل می‌گیرد، بیشتر با هدف اطلاع‌رسانی است نه بحث و گفت‌وگویی واقعی و طولانی درمورد یک موضوع. این در حالی است که خانواده نخستین کانون شکل‌گیری و تجربه کمیت و کیفیت ارتباطات میان فردی است و اعضای خانواده از طریق سازوکار ارتباطات میان فردی نیازها، خواسته‌ها، عواطف، نگرانی‌ها، دغدغه‌ها، تجربه‌ها، افکار، دیدگاه‌ها و احساسات خود را با یکدیگر در میان می‌گذارند؛ مشورت می‌کنند؛ تصمیم می‌گیرند؛ از همدیگر حمایت و پشتیبانی عاطفی و روانی می‌کنند و تضادها و تنش‌ها را رفع می‌کنند (Peterson & Green, ۲۰۰۹). همچنین، نظام ارتباطات میان فردی در خانواده سازوکار جامعه‌پذیری و تربیت فرزندان است. درواقع، می‌توان گفت که برجسته‌ترین کارکرد خانواده، یعنی جامعه‌پذیری و بازتولید و درونی‌کردن و مبادله عقاید، باورها، ارزش‌ها و هنجارها، در خانواده از طریق فرایند ارتباطات و تعاملات میان فردی صورت عینی به خود می‌گیرد.

ساختار، کارکرد و تعاملات و ارتباطات والدین و فرزندان در خانواده در ایران در دوران معاصر تحت تأثیر عوامل مختلفی بوده است. طی دهه‌های اخیر، جامعه ایران در معرض تحولات و تجربه‌های گوناگون تاریخی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بوده است. وقوع انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ و تغییر ساختار سیاسی کشور، وقوع جنگ هشت‌ساله ایران و عراق، نوسازی اجتماعی، تحولات فرهنگی و توسعه آموزشی رسمی در ایران، توسعه شهرنشینی، مهاجرت و فرار مغزها، پیدایش گفتمان‌های سیاسی گوناگون در سپهر سیاسی ایران، افزایش مصرف فرهنگی و رسانه‌ای، افزایش ضریب نفوذ رسانه‌های ملی و فراملی، ظهور و توسعه اینترنت و فناوری‌های ارتباطی نوین، توسعه خانواده هسته‌ای، جوانی جمعیت (تورم جوانی) و نظایر آن از جمله مهم‌ترین تحولاتی بوده که جامعه و خانواده در دوران معاصر پشت سر گذاشته است. برخی از جامعه‌شناسان، نظیر مارگارت مید^۱ و کارل مانهایم^۲، بر این باورند که جوامعی که در گذار تاریخی خود تغییرات و تحولات و رویدادهای تاریخی و اجتماعی و فناوری متعدد و سریعی را تجربه می‌کنند از استعداد و آمادگی بیشتری برای تولید شکاف‌ها و اختلال‌های اجتماعی، ارزشی و ارتباطی در سطح جامعه و خانواده برخوردارند (ساروخانی و صداقتی‌فرد، ۱۳۸۸).

گذار جامعه از سنت به مدرنیته، توسعه شهرنشینی و تشدید مهاجرت به شهرهای بزرگ، تحصیل و اشتغال، تغییر شکل خانواده گسترده سنتی و ظهور و توسعه خانواده هسته‌ای، از

1. Margaret Mead

2. Karl Mannheim

یک سو و ظهور و توسعه نهادهای جایگزین نقش‌های تربیتی و جامعه‌پذیری خانواده نظیر مدرسه، رسانه‌ها و فناوری‌های نوین، از سوی دیگر، می‌تواند به تغییر کارکردهای خانواده به‌ویژه در زمینه توزیع قدرت، تغییر نقش‌ها در خانواده، شیوه جامعه‌پذیری و فرزندپروری، شکل‌گیری شکاف‌های نسلی و وقوع تحول در فرایند ارتباطات و روابط والدین و فرزندان بینجامد. در همین زمینه، نتیجه پژوهشی در ایران نشان می‌دهد که ارتباط کلامی میان نسل بالغ و جوان کاهش یافته است و به سبب ظهور و توسعه گروه‌های مرجع نوین (رسانه و مدرسه و...) فرزندان از والدین (گروه مرجع سنتی) تبعیت نمی‌کنند. لذا، فصل مشترک عاطفی و تسامح و سازگاری میان نسل‌ها کاهش یافته است (شرفی، ۱۳۹۲).

ارتباطات انسانی و تعاملات میان فردی در خانواده‌های ایرانی به مسئله تبدیل شده است؛ تا جایی که نتایج پیمایشی ملی نشان می‌دهد که گفت‌وگوی بین اعضای خانواده‌ها، از ۲ ساعت در شبانه‌روز در ۲۰ سال قبل، اکنون به ۲۰ دقیقه کاهش پیدا کرده است. بر اساس این مطالعه، در گذشته در شبانه‌روز ۱۵۰۰ کلمه بین اعضای خانواده ردوبدل می‌شد که این میزان اکنون به ۴۰۰ کلمه کاهش یافته است (ابتکار، ۱۳۹۸). نتایج مطالعه دیگری در ایران نشان می‌دهد هرچه میزان استفاده از وسایل ارتباطی (لاین و تلگرام) افزایش می‌یابد، میزان دورهمی‌ها، میهمانی‌های خانوادگی، گردش‌های خانوادگی و ارتباطات کلامی افراد خانواده کمتر می‌شود (شیری و رحمانی، ۱۳۹۴).

با وجود اهمیت ارتباطات میان فردی بین والدین و فرزندان، هر پژوهشی در این حوزه بسیار پیچیده و چالش برانگیز است. علت اصلی چالشی بودن مطالعه ارتباطات بین والدین و فرزندان این است که آن‌ها به دو نسل متفاوت تعلق دارند. والدین اغلب نمی‌توانند با تغییرات و تحولات جدید هماهنگ شوند؛ لذا، قادر به درک فرزندانشان نیستند. در همان زمان، فرزندان نیز نمی‌توانند ذهنیت والدینشان را درک کنند، زیرا احساس می‌کنند که آن‌ها ذهنی بسیار سنتی دارند؛ اما ارتباطات می‌تواند بین والدین و فرزندان پلی بزند و به آن‌ها کمک کند تا به عقاید هم احترام بگذارند و به تفاهم و همدلی برسند. عوامل و متغیرهایی چون جوانی جمعیت، توسعه خانواده هسته‌ای و افزایش تحرک‌های جغرافیایی و اجتماعی، از یک سو و گسترش روزافزون ضریب نفوذ سواد و تحصیلات، رسانه‌ها و فناوری‌های نوین در بین جامعه جوان ایرانی، از سوی دیگر، ارتباطات میان فردی بین والدین و فرزندان را به مسئله مهم اجتماعی بدل کرده‌اند. درواقع، جوامع درحال‌گذاری چون ایران برای نیل به پایداری و کاستن از پیامد شکاف‌های مختلف اطلاعاتی، ارزشی و هنجاری نیازمند تعامل، گفت‌وگو و ارتباطات میان فردی مطلوب بین والدین و فرزندان هستند. این گفت‌وگو، تعامل و همکاری موجب می‌شود تا هم سنت‌های اجتماعی نسل گذشته بازتولید شوند و هم نقش و جایگاه نسل جدید در برساختن فرهنگ

و جامعه جدید به رسمیت شناخته شود. به تعبیری دیگر، شرایط جدید مستلزم گفت‌وگو و همکاری نسل والدین و فرزندان است. تلفیق نیروی خلاقه و تخصصی فرزندان و داشته‌ها و تجارب والدین در دنیای سرشار از عدم قطعیت امروزی می‌تواند شرایط زندگی بهتری را در دنیای جدید فراهم کند؛ اما فقدان گفت‌وگو و صمیمیت بین والدین و فرزندان می‌تواند به زیان هر دو طرف بینجامد. لذا، ضروری است نوع و کیفیت ارتباطات میان فردی والدین و فرزندان در خانواده ایرانی به شیوه‌ای کیفی، دقیق و عینی بررسی شود تا مبتنی بر نتایج آن بتوان به طرح راهبردهایی دقیق برای نهادهای سیاست‌گذاری در کشور به منظور سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در جهت تقویت ارتباطات میان فردی مطلوب پرداخت.

حال این پرسش مطرح است که در خانواده وضعیت ارتباطات میان فردی والدین و فرزندان چگونه است و آن‌ها از چه الگوهای ارتباطاتی استفاده می‌کنند. برای پاسخ به پرسش‌ها بر تحلیل تجربه زیسته فرزندان نوجوان متمرکز شده‌ایم؛ زیرا فرزندان نوجوان نسلی هستند که بنا به ضرورت، روزمره با والدین خود تعامل دارند و به سبب تغییرات جسمی و روانی، دوره نوجوانی دوره هویت‌یابی، فردگرایی، استقلال‌طلبی، تحولات فکری و نگرشی و دوره شکل‌گیری تفاوت‌ها و تمایزات نسلی است. بر همین اساس، پژوهش پیش رو با درک اهمیت موضوع ارتباطات میان فردی در خانواده در صدد «تحلیل الگوهای ارتباطات میان فردی والدین و فرزندان نوجوان در خانواده» است.

پیشینه پژوهش

نخستین مطالعات مربوط به الگوهای ارتباطی در خانواده را مک‌لئون و چافی^۱ سال ۱۹۷۲ به ثمر نشان‌دادند. آنان باور داشتند که الگوهای ارتباطی، بیش از آنکه خصیصه‌ای ذاتی و شخصیتی باشند، حاصل تجارب ناشی از تعاملات خانوادگی‌اند. آن‌ها معتقد بودند، برای رسیدن به واقعیتی مشترک در بین اعضای خانواده، مورد بحث قرار دادن باورها، ایده‌ها و احساسات راه حلی عملی و مفید است. ریچی و ویتزپاتریک^۲ سال ۱۹۹۰ این دیدگاه را توسعه دادند و مبتنی بر آن الگوهای ارتباطات خانواده. یعنی الگوی گفت‌وگوشنودی و الگوی هم‌نوایی را پیشنهاد کردند (سپهری و پاکدامن، ۱۳۸۹). در ادامه به برخی از مطالعات صورت‌گرفته در این حوزه می‌پردازیم.

نتایج مطالعه تکار و شیث^۳ که سال ۲۰۱۴ در شهر سورات هندوستان صورت گرفت،

1. Leon & Chaffee

2. Ritchie & Fitzpatrick

3. Thakkar & Sheth

نشان داد که نگرش باز والدین به روابط گشودگی و اعتماد را در بین فرزندان تقویت می‌کند. نوجوانان در بحث درمورد بسیاری از موضوعات با والدین راحت هستند؛ به جز تابوهای اجتماعی مانند سیگار کشیدن، نوشیدنی‌های الکلی و روابط عاشقانه. آنان در بحث درمورد موضوعات سیاسی و اجتماعی و کسب و کار با پدرانشان راحت‌تر هستند. نوجوانان با مادران در بحث درمورد ترس‌ها و شکست‌های فردی راحت‌ترند. والدین بیان کرده‌اند که آماده ارتباطات باز با فرزندان خود هستند، اما فکر می‌کنند که بحث درمورد برخی موضوعات حساس مانند انتخاب دوست و عادات فردی سخت است (Thakkar & Sheth, 2014).

آنتونیو بوا^۱ سال ۲۰۱۲ در مطالعه خود به این نتیجه رسید که کارکرد تعاملات مباحثه‌ای بین والدین و فرزندان اساساً آموزشی است. مباحثه‌ایزاری است که والدین را قادر به انتقال و آموزش ارزش‌ها و مدل‌های ارائه رفتار مناسب از نظر فرهنگی به فرزندان می‌کند. نتایج نشان داد که والدین در خلال مباحث و گفت‌وگوها نقش آموزش‌دهنده را ایفا می‌کنند. فرزندان کمتر نقش یادگیرندگان منفعل را بازی می‌کنند. دومین کارکرد آموزشی این است که کودکان تمایل پیدا می‌کنند تا خواسته‌های خود را به شکل منطقی بیان کنند (Bova, 2012). نتایج مطالعه کلی و همکاران^۲ (۲۰۰۲) نشان داد که گفت‌وگو و شنود اندک در خانواده و نبود ارتباطات کافی میان والدین و فرزندان سبب می‌شود که در آینده فرزندان کم‌حرف و تودار شوند و تمایلی به صحبت کردن درباره افکار، اتفاقات روزمره، برنامه‌ها و اهداف در خانواده یا در حضور دیگران نداشته باشند.

در ایران نخستین مطالعه درمورد ارتباطات میان فردی مطالعه‌ای مردم‌شناختی است که ویلیام ا. بی‌من^۳، مردم‌شناس و زبان‌شناس آمریکایی، دهه ۱۹۷۰ م در ایران انجام داد و سال ۱۹۸۵ حاصل تحقیقاتش را در کتابی تحت عنوان زبان، منزلت و قدرت در ایران^۴ منتشر کرد. بی‌من (۱۳۸۷) مهم‌ترین مؤلفه‌های ارتباطات میان فردی در فرهنگ ایران را بی‌اعتمادی، زرنگی، رابطه منزلت (برابری در مقابل نابرابری)، زمینه فرهنگی بافت تعامل (درون/باطن در برابر بیرون و ظاهر) و تعارف می‌داند که دو نوع الگوی ارتباطات میان فردی از آن منتج می‌شود: نخست الگویی با روابط سلسله‌مراتبی با منزلت‌های نامساوی، رفتار توأم با تعارف، جهت‌گیری به سوی زرنگی یا بی‌اعتمادی و طبیعتاً شرایط پیش‌بینی‌ناپذیر و نسبتاً رسمی؛ و دوم الگوی وجود روابط برابر و مبتنی بر صمیمیت، پارتی‌بازی، اعتماد و شرایط پیش‌بینی‌پذیر و غیررسمی.

1. Antonio Bova

2. Kelly et al.

3. William O. Beeman

4. Language, Status, and Power in Iran

فراہتی، فتحی آشتیانی و مرادی در پژوهشی کمی نشان دادند که جهت‌گیری گفت‌وشنود در خانواده رابطه مثبت و معناداری با مهارت‌های ارتباطی نوجوانان دارد؛ اما جهت‌گیری هم‌نوایی خانواده رابطه منفی و معناداری با مهارت‌های ارتباطی نوجوانان دارد و پیش‌بینی‌کننده‌ای منفی برای آن است. شهرکی ثانوی، نویدیان، انصاری مقدم و فرجی شوی (۱۳۹۰) به این نتیجه دست یافتند که جهت‌گیری گفت‌وشنود پیش‌بینی‌کننده مثبت کیفیت زندگی و جهت‌گیری هم‌نوایی پیش‌بینی‌کننده منفی کیفیت زندگی هستند. نتایج پژوهش تجلی و اردلان (۱۳۸۹) نشان داد که محیط خانواده می‌تواند، با فراهم کردن ارتباطات باز و گسترده و ترغیب ابراز احساسات و شرکت آن‌ها در بحث و تبادل نظر، علاوه بر اینکه به‌طور مستقل به ارتقای سازگاری تحصیلی در آنان کمک کند، به واسطه خودکارآمدی نیز سازگاری آن‌ها را افزایش دهد.

«ارتباطات میان‌فردی» حوزه‌ای تخصصی و مهم در رشته علوم ارتباطات و مطالعات ارتباطی است که در دهه‌های اخیر حوزه‌ها و رشته‌های دیگری چون روان‌شناسی اجتماعی و زبان‌شناسی و نظایر آن نیز با رویکرد بین‌رشته‌ای به آن وارد شده‌اند. بررسی مطالعات و پژوهش‌های صورت‌گرفته در سطح جهانی و در داخل ایران بیانگر این است که بیشترین مطالعات صورت‌گرفته در حوزه ارتباطات میان‌فردی «کمی» و در حوزه‌های روان‌شناسی بوده‌اند؛ گرچه برخی مطالعات «کیفی» (Bova, 2012) یا ترکیبی (Thakkar & Sheth, 2014) نیز به بررسی الگوهای ارتباطات میان‌والدین و فرزندان در خانواده پرداخته‌اند. بررسی مطالعات صورت‌گرفته در ایران نشان می‌دهد که بیشتر با روش‌شناسی کمی و با استفاده از پرسش‌نامه استاندارد به تحلیل الگوهای ارتباطات میان‌فردی در خانواده پرداخته‌اند. از سوی دیگر، بیشتر مطالعات تنها بر رویکرد الگوی نظری - تجربی فیتزپاتریک و ریچی مبتنی بوده‌اند که به تحلیل شکلی الگوها و فضای ارتباطی حاکم بر ارتباطات میان‌فردی در خانواده و رابطه و هم‌بستگی آن با متغیرهایی روان‌شناختی چون سازگاری، سلامت روان، اعتماد به نفس و... پرداخته‌اند. در واقع، بیشتر مطالعات قبلی در ایران در مورد الگوهای ارتباطات خانوادگی در حوزه روان‌شناسی صورت گرفته‌اند و اصولاً از جنبه رویکرد ارتباطی به آن در ایران کمتر پرداخته شده است. این در حالی است که مطالعه حوزه ارتباطات انسانی بدون در نظر گرفتن بافت و زمینه‌ها و عوامل شکل‌گیری تعامل ارتباطی به تقلیل تحلیل پدیده منجر می‌شود نه تحلیل عمیق و شناسایی الگوهای واقعی در ارتباطات میان‌فردی. بر همین اساس، مطالعه پیش‌رو، با هدف شناسایی و تحلیل الگوهای ارتباطات میان‌فردی والدین و فرزندان در خانواده، از روش «تحقیق کیفی» بهره می‌گیرد. در واقع، تجربه زیسته افراد (حاصل از تعامل نوجوانان در خانواده با والدین و سایر اعضای خانواده) تحلیل می‌شود نه صرفاً الگوهای تجربه‌شده جوامع دیگر.

مبانی نظری پژوهش

چیستی ارتباطات میان فردی، ویژگی‌ها و مدل‌های آن

ارتباطات میان فردی مرکب از پیشوند inter به معنای «بین» و واژه personal به معنای «شخصی (انسانی)» است. ارتباطات میان فردی به‌عنوان بخشی از ارتباطات انسانی^۱ به فرایند دوسویه خلق و مبادله و تسهیم اطلاعات و احساسات و معانی از طریق پیام‌های کلامی یا غیرکلامی بین دو نفر یا بیشتر گفته می‌شود (Brooks & Heath, 1993: 7). ما روزانه از این نوع ارتباط برای ردوبدل کردن اطلاعات؛ ابراز احساسات و علایق؛ حل مسائل و مشکلات خود با دیگران؛ رفع تضادها و تعارض‌ها؛ رفع نیازهای اجتماعی؛ گفت‌وگو با اطرافیان، والدین، فرزندان، دوستان، همکاران و دیگران در محیط کار و جامعه و نظایر آن استفاده می‌کنیم.

ارتباطات میان فردی میان دو یا چند شخص و انسان رخ می‌دهد نه میان نقش‌های آن‌ها (والد/فرزند، زن/مرد، کارمند/رئیس) و ماسک‌ها و قالب‌های کلیشه‌ای (فردست/ فرودست، مسلمان/مسیحی، سفید/سیاه)؛ گرچه نقش‌ها بر کم‌وکیف ارتباطات میان فردی اثر می‌گذارند. ارتباطات میان فردی همیشه جریان‌ی دوسویه است؛ مبادله معناست نه مبادله پیام؛ کنشی عمدی است نه اتفاقی؛ فرایندی مداوم و مستمر است نه رویداد یا داستان یک رویداد. ارتباطات میان فردی بین دو نفر خاصیت انباشتی در طی زمان دارد (Hartley, 1999).

ارتباطات میان فردی به روابطی اشاره دارد که بین دو انسان رخ می‌دهد و در برابر نوع دیگری از ارتباطات یعنی ارتباطات غیرشخصی^۲ قرار می‌گیرد که حداقل یکی از طرفین ارتباط بی‌روح و بی‌جان (نگاه شیء‌گونه و ابزاری) است. وضعیت ارتباطات میان فردی حاکی از شرایطی است که در آن دو نفر یا بیشتر، بنا بر اهدافی، با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و به همدیگر توجه می‌کنند. درواقع، ارتباط میان فردی فعالیت پیوسته، دائمی، پیش‌بینی‌پذیر و چندسطحی است که موجب تسهیم معنا می‌شود تا زندگی را با تدبیر و مدیریت مؤثرتری اداره کنیم (مایرز و مایرز^۳، ۱۳۸۳: ۳۶). امروزه معیار ارتباطات میان فردی تنها شمار افراد دخیل در ارتباط نیست؛ بلکه کیفیت ارتباطات است. ارتباطات میان فردی زمانی رخ می‌دهند که شما با شخص به‌عنوان انسان رفتار می‌کنید؛ اما ارتباطات غیرشخصی و غیرانسانی هنگامی اتفاق می‌افتند که با دیگران همانند سوژه یا شیء رفتار می‌کنید یا به نقش‌های دیگران (درخواست لیوان از خدمتکار در رستوران) واکنش نشان می‌دهید به جای آنکه با آن‌ها همانند انسانی محترم و بی‌نظیر رفتار کنید.

1. Interpersonal Communication

2. Impersonal Communication

3. Myers & Myers

امروزه ارتباطات میان فردی دو شکل «چهره به چهره» و «رسانه‌ای شده» به خود گرفته است. اگر در گذشته افراد تنها از طریق ارتباطات حضوری مستقیم با هم صحبت و مذاکره و گفت‌وگو می‌کردند؛ امروزه به سبب توسعه و رشد رسانه‌ها، ابزارها و فناوری‌های ارتباطی نوین نظیر تلفن، نامه، رایانامه، رسانه‌های تعاملی مبتنی بر اینترنت و ارتباطات شبکه‌ای (شبکه‌های اجتماعی نظیر فیس‌بوک، اینستاگرام، توئیتر و...) و پیام‌رسان‌های تلفن همراه (تلگرام، واتساپ و...) ارتباطات میان فردی شکل «رسانه‌ای شده» به خود گرفته است.

دسته‌بندی‌های مختلفی از ویژگی‌های ارتباطات میان فردی از سوی صاحب‌نظران صورت گرفته است. فرهنگی، استاد ارتباطات و رسانه، پنج ویژگی ارتباطات میان فردی اثربخش را ذکر می‌کند که عبارت‌اند از: ۱. گشودگی؛ علاقه فرستنده پیام به گشودن خود و خودافشایی در مقابل طرف ارتباطی خود؛ ۲. همدلی؛ احساس طرف مقابل را درک کردن؛ ۳. حمایت‌گرایی؛ ایجاد بستر مناسب و امن (نه تهدیدآمیز) برای افراد برای برقراری ارتباط؛ ۴. مثبت‌گرایی؛ احساس خوشایند به خود و دیگران؛ و ۵. تساوی؛ ایجاد موقعیت برای مشارکت هر دو طرف در جریان ارتباط (فرهنگی، ۱۳۹۷: ۱۲۰-۱۱۲).

وود^۱، پژوهشگر حوزه ارتباطات میان فردی در دانشگاه کارولینای شمالی، در کتاب خود تحت عنوان ارتباطات میان فردی؛ مواجهه روزمره، مهم‌ترین ویژگی‌های ارتباطات میان فردی را شامل گزینشی بودن (مواجهه انتخابی در تعامل با دیگران بدون ایجاد رابطه صمیمانه و شخصی)؛ نظام‌مند بودن (وقوع ارتباطات در درون نظام‌ها یا زمینه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی و سازمانی و خانوادگی)؛ وجود اختلال^۲ در ارتباطات؛ فرایندی بودن^۳؛ افزایش آگاهی و شناخت شخصی؛ و خلق معنا^۴ می‌داند.

مدل‌های اولیه ارتباطات میان فردی مانند مدل ارتباطی ارسطو (فرستنده، پیام، مخاطب) بسیار ساده‌انگارانه بودند و ارتباطات انسانی میان افراد را فرایندی خطی و یک‌سویه در نظر می‌گرفتند که طی آن پیامی از سوی فرستنده به گیرنده منتقل می‌شود و به بازخورد پیام از سوی گیرنده توجهی نداشتند؛ اما در مدل‌های بعدی که به مدل‌های تعاملی^۵ و تبادل‌ی یا میان‌کنشی^۶ معروف شدند، به اهمیت دوسویگی ارتباطات میان فردی انسانی توجه

1. Wood
2. Noise
3. Process
4. Content Meaning
5. Interaction
6. Transaction

شد. طبق نخستین مدل ارتباطات میان فردی که هارولد لاسول^۱ سال ۱۹۴۸ بعد از جنگ جهانی دوم پیشنهاد کرد، ارتباطات خطی یا فرایند یک طرفه انتقال پیام است که در آن یک فرد (فرستنده) به ارسال پیام به فرد دیگر (مخاطب) اقدام می‌کند. این مدل ارتباطی متشکل از پنج پرسش است که توالی اقدامات تشکیل دهنده تعامل را نشان می‌دهد: «چه کسی؟ چه می‌گوید؟ در چه کانالی می‌گوید؟ به چه کسی می‌گوید؟ با چه تأثیری می‌گوید؟». کلود شانون و وارن ویور^۲، یک سال بعد از ارائه مدل لاسول، آن را اصلاح کردند و ویژگی اختلال (پارازیت، نویز) را به آن اضافه کردند (محسنیان راد، ۱۳۹۶).

در مدل تعاملی، ارتباطات میان فردی فرایندی توصیف می‌شود که طی آن مرتب جای ارسال‌کننده پیام و مخاطب عوض می‌شود. در این مدل، معنا از طریق ارسال پیام‌ها و دریافت بازخورد و تحت تأثیر عوامل محیطی (اندازه، دما و روشنایی) و عوامل روان‌شناختی (استرس، احساسات، تجارب گذشته و...) ساخته می‌شود. در واقع، هر چقدر حوزه‌های تجارب ارتباط‌گران در هم‌پوشی و اشتراک بیشتری با یکدیگر قرار گیرند، بهتر یکدیگر را درک می‌کنند. هنگامی که حوزه‌های تجربه فاقد هم‌پوشی کافی هستند، سوءتفاهم‌ها ظاهر می‌شوند؛ اما مدل ارتباطات میان فردی تبدلی^۳ ارتباطات را فرایندی می‌داند که ارتباط‌گران معنای اجتماعی را در بافت‌های فرهنگی، اجتماعی و رابطه‌ای می‌سازند. در این مدل، افراد تنها به مبادله پیام نمی‌پردازند، بلکه از ارتباطات به منظور ایجاد روابط، ساختن پیوندهای بین فرهنگی، شکل دادن به مفاهیم مشترک و گفت‌وگو با دیگران برای تشکیل جماعت‌ها استفاده می‌کنند. مدل ارتباطات تبدلی تطابق بیشتری با ارتباطات میان فردی دارد، چون بر پویایی ارتباطات میان فردی و نقش‌های چندگانه افراد در طول فرایند تأکید دارد. به علاوه، این مدل حاوی ویژگی «زمان» است که به ما یادآوری می‌کند ارتباطات افراد و تجربه‌های آن‌ها در طول زمان تغییر می‌کند. مدل تبادل اختلال را در طول ارتباطات میان فردی حاضر می‌بیند. همچنین، ویژگی زمان در این مدل تنوع ارتباطات افراد در طول زمان را خاطر نشان می‌کند (Wood, 2016).

چیستی خانواده و نقش ارتباطات میان فردی در خانواده

خانواده به عنوان گروهی از افراد که با یکدیگر بر پایه هم‌خونی (نسبی) یا ازدواج (سببی) یا فرزندپذیری ارتباط دارند تعریف شده است (ساروخانی، ۱۳۸۰). گیدنز خانواده را گروهی از

1. Harold Lasswell
2. Claude Schannon & Warren Weaver
3. Transaction Interpersonal Communication Model

افراد می‌داند که با ارتباطات خویشاوندی مستقیماً پیوند یافته و اعضای بزرگ‌سال مسئولیت مراقبت از کودکان را بر عهده دارند. پیوندهای خویشاوندی متضمن روابط میان افراد است که یا از طریق ازدواج برقرار شده یا از طریق تبار که خویشاوندی خونی (پدران، مادران، فرزندان، پدربزرگ و مادربزرگ) را به یکدیگر مرتبط می‌کند (گیدنز، ۱۳۹۷: ۴۱۳).

خانواده نظام عاطفی پیچیده‌ای است که چند نسل را در بر می‌گیرد و وجه تمایز آن با سایر نظام‌های اجتماعی در وفاداری، عاطفه و دایمی بودن عضویت نسل‌ها در آن است (Goldenberg & Goldenberg, 2008). وجه تمایز آن از سایر سیستم‌های اجتماعی به این صورت است که ورود به سیستم خانوادگی از لحظه تولد یا فرزندخواندگی یا ازدواج آغاز می‌شود و اعضا تنها به واسطه مرگ از هم جدا می‌شوند و جدایی تمامی ارتباطات خانوادگی ناممکن است (Carr, 2012). عمده‌ترین دسته‌بندی خانواده تقسیم آن به دو نوع هسته‌ای و گسترده است. در خانواده هسته‌ای^۱ واحد اولیه خانواده شامل والدین و فرزندان می‌شود (ساروخانی و صدقاتی فرد، ۱۳۸۸: ۲۷۴). در خانواده گسترده^۲ گروهی مرکب از سه نسل یا بیشتر در یک خانه با هم یا در نزدیکی یکدیگر زندگی می‌کنند و با هم در تعامل و ارتباط هستند.

خانواده به عنوان نظام دارای کارکردهای مختلفی است. از نظر جامعه‌شناسی، برخی از مهم‌ترین کارکردهای خانواده شامل کارکردهای زیستی (تنظیم روابط جنسی و تولیدمثل)، حمایت و مراقبت از فرزندان، آموزش و تربیت (پرورش)، جامعه‌پذیری، تأمین نیازهای عاطفی و روانی، تأمین نیازهای اقتصادی و مادی، کنترل و نظارت اجتماعی، رشد و تثبیت شخصیت، پرکردن اوقات فراغت و نظایر آن است (علینی، ۱۳۹۳).

ارتباطات مهم‌ترین عنصر برای پیش‌برد کارکردهای مختلف در نظام خانواده است. ارتباطات در خانواده، چه در وجه کلامی و چه در وجه غیرکلامی آن، سازوکاری است که طی آن اعضای خانواده نیازها، خواسته‌ها، عواطف، نگرانی‌ها، دغدغه‌ها، تجربه‌ها، افکار، دیدگاه‌ها و احساسات خود را با یکدیگر مبادله می‌کنند.

یکی از دیدگاه‌های مطرح در ارتباطات خانواده که به ارتباطات در خانواده و نقش آن در سازگاری مؤثر با محیط پرداخته است «الگوی ارتباطی خانواده» فیتزپاتریک و ریچی است. آن‌ها در دهه ۱۹۹۰ در مطالعات تجربی خود دو الگوی ارتباطی «جهت‌گیری گفت‌وگویی^۳» و «جهت‌گیری هم‌نوایی^۴» را در ارتباطات میان فردی در خانواده شناسایی کرده‌اند. «جهت‌گیری گفت‌وگویی» بر

1. Nuclear Family
2. Extended Family
3. Conversation Orientation
4. Conformity Orientation

ارزش ارتباط و تعامل فراوان، خودبه‌خودی و بدون اجبار و فشار میان اعضای خانواده تأکید دارد. اعضای خانواده زمان بسیاری را با یکدیگر می‌گذرانند و به راحتی با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند؛ فرزندان مجازند با والدینشان بحث و مناظره کنند و کودکان تشویق می‌شوند نظر خود را بیان کنند. آنان پیش از اظهار نظر همه جوانب را در نظر می‌گیرند و معتقدند که عقیده فرد، حتی اگر مغایر با سایر افراد باشد، باید بیان شود. افراد خانواده فعالیت‌ها، افکار و احساسات خود را با یکدیگر در میان می‌گذارند. اعمال و فعالیت‌های خانواده با مشارکت اعضای خانواده مورد بحث قرار می‌گیرد و تصمیم‌گیری‌های خانواده با هم‌فکری همه اعضا صورت می‌گیرد. «جهت‌گیری هم‌نواپی» با یک‌رنگی اعتقادات، نگرش‌ها و ارزش‌ها مشخص می‌شود. تعاملات خانواده بر حفظ روابط هم‌رنگی تأکید دارد که منعکس‌کننده اطاعت از والدین است. اغلب، فشار برای موافقت و حفظ ارثیه خانوادگی وجود دارد. در این خانواده‌ها همه تصمیمات را والدین می‌گیرند و از بچه‌ها انتظار می‌رود که فقط اطاعت کنند. والدین احساس می‌کنند آن‌ها باید برای بچه‌ها تصمیم بگیرند و بچه‌ها یاد می‌گیرند در تصمیم‌گیری‌ها متکی بر والدین باشند و مهارت‌های تصمیم‌گیری را نمی‌آموزند. ویژگی این جهت‌گیری تلاش برای حفظ و نگهداری روابط همگون و همساز والد-فرزند است. این خانواده‌ها تأکید دارند که فرزندانشان باید از تعارض و تقابل با جمع اجتناب کنند؛ در صورت اختلاف نظر با دیگران (والدین و بزرگسالان) تسلیم آن‌ها شوند؛ به بزرگ‌ترها احترام بگذارند و جلو مشکلات میان فردی را بگیرند (Koerne, Scharodt & Fitzpatrick, 2017).

علاوه بر دیدگاه فیتزپاتریک و ریچی، از دیدگاه مارتین بوبر، صاحب‌نظر حوزه ارتباطات گفت‌وگومحور، در مورد ارتباطات میان فردی نیز می‌توان برای تبیین نظری نظام ارتباطات در خانواده بهره گرفت. بوبر معتقد است که ارتباطات میان فردی در دو شکل ارتباطات «من-تو» و «من-آن» روی می‌دهد. «ارتباطات من-آن» ما با دیگران غیرشخصی، غیرانسانی و بی‌روح است و همانند اشیا و سوژه‌ها با آن‌ها رفتار می‌کنیم. در «ارتباطات من-آن»، ما انسانیت فرد و وجود آن‌ها را تصدیق نمی‌کنیم. ما با فروشندگان، خدمتکاران رستوران‌ها و منشی‌ها و کارمندان دفتر به مثابه انسانی منحصر به فرد رفتار نمی‌کنیم؛ بلکه همانند ابزاری برای برآورده‌سازی دستورها و خواسته‌هایمان با آن‌ها رفتار می‌کنیم. در شکل اغراق‌آمیز «روابط من-آن»، دیگران حتی به حساب نمی‌آیند و دیده نمی‌شوند. مثلاً، وقتی فرد بی‌خانمانی پولی را برای غذا طلب می‌کند، برخی افراد روی برمی‌گردانند و او را نادیده می‌گیرند. در خانواده‌های ناکارآمد والدین ممکن است فرزندان را نادیده بگیرند و از گفت‌وگو کردن با آن‌ها اجتناب کنند و با فرزندان همانند «اشیا» یا «آن» رفتار کنند نه همانند انسانی بی‌نظیر (Wood, 2016). نادرترین نوع ارتباطات، از نظر بوبر، ارتباط «من-تو» است. بوبر این نوع ارتباط را بالاترین شکل ارتباطات گفت‌وگوی بشری می‌داند. زمانی که در سطح من-تویی تعامل می‌کنیم، دیگران را در کلیت و فردیت انسانی‌اش

ملاقات می‌کنیم. در واقع، به جای رفتار با آن‌ها در چارچوب نقش‌های اجتماعی‌شان، آن‌ها را به‌عنوان موجودات انسانی منحصربه‌فردی می‌بینیم که در کلیت آن‌ها را می‌شناسیم و می‌پذیریم. در ارتباطات من‌تویی، ما کاملاً خود را باز می‌کنیم و به دیگران اعتماد می‌کنیم تا ما را با همه خوبی‌ها، بدی‌ها، امیدها، ترس‌ها، قوت‌ها و ضعف‌ها بپذیرند. در واقع، در مقابل ارتباطات «من‌آن» که از نوع رابطه «سوژه» و «ابژه» است، ارتباطات «من-تو» قرار دارد که از نوع ارتباط «سوژه» با «سوژه» است (ایمانی و شرفی، ۱۳۸۸).

روش پژوهش

در این پژوهش، برای کشف و شناسایی و تحلیل الگوهای روابط میان فردی والدین و فرزندان از رویکرد کیفی و روش مصاحبه عمقی با دختران و پسران شاغل به تحصیل در مقطع متوسطه دوم دبیرستان‌های دولتی شهر تهران استفاده شد. جامعه مورد مطالعه شامل «دانش‌آموزان نوجوان (دختر و پسر)» دبیرستانی (متوسطه دوم) ۱۶ تا ۱۸ ساله مشغول به تحصیل در مدارس دولتی شهر تهران (۵ دبیرستان دخترانه و ۵ دبیرستان پسرانه در پنج منطقه شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز شهر تهران) است که همراه والدین خود زیر یک سقف زندگی می‌کنند و هر روز همدیگر را ملاقات می‌کنند. پس از اخذ مجوزهای لازم از اداره کل آموزش و پرورش شهر تهران، هماهنگی‌های لازم با مدیران مدارس برای مراجعه به مدارس منتخب صورت گرفت. با توجه به هدف پژوهش، از نمونه‌گیری هدفمند برای انتخاب نمونه‌ها استفاده شد و مصاحبه‌ها تا نیل به اشباع نظری ادامه یافت. این امر در نمونه ۳۷ ام محقق شد؛ اما برای کسب اطمینان از کفایت داده‌ها، مصاحبه‌ها تا نمونه چهارم ادامه یافت. فرایند گزینش هدفمند به‌گونه‌ای بود که پس از حضور در هر دبیرستان (دو کلاس) ابتدا موضوع مطالعه و اهداف آن برای دانش‌آموزان توضیح داده می‌شد و سپس با افرادی که تمایل و رغبت به مشارکت در مطالعه داشتند مصاحبه صورت می‌گرفت. در ابتدا رابطه‌ای صمیمی و همدلانه با آن‌ها برقرار می‌شد؛ سپس اهداف پژوهش مجدداً برای هر مصاحبه‌شونده توضیح داده می‌شد و رضایت آن‌ها برای ادامه همکاری جلب می‌شد. در واقع، معیار ورود به مطالعه شامل دانش‌آموزانی بود که پس از توضیح موضوع مطالعه داوطلبانه و آگاهانه تمایل به شرکت در مطالعه داشتند و قادر به بیان تجربه نحوه تعامل خود با والدینشان بودند.

هدف پژوهش پیش رو تحلیل تجربه زیسته دانش‌آموزان در تعامل روزانه با والدین خود است تا از این طریق به شناخت بهتر این پدیده و کشف و استخراج الگوهای ارتباطات میان فردی موجود و مستقر در خانواده و کیفیت تعاملات آن‌ها با والدین دست یابیم. تمام مصاحبه‌ها به صورت حضوری و شفاهی و با رضایت دانش‌آموزان در محیط مدرسه صورت

گرفت و هیچ مصاحبه‌ای خارج از مدرسه ثبت و ضبط نشد. همان‌طور که قبلاً گفته شد، پس از تشریح اهداف مطالعه برای دانش‌آموزان و جلب نظر و همکاری آنان در شرایط و ساعاتی که کمتر درگیر کلاس‌های درس ضروری و جدی بودند (با هماهنگی مسئولان مدرسه)، در اتاق ویژه مشاوره مدرسه (به‌منظور حفظ حریم و تأمین راحتی و آرامش آنان) مصاحبه‌ها صورت گرفت. شایان ذکر است که در صورت نامناسب بودن شرایط یا درخواست شرکت‌کننده، فرصت و زمان دیگری برای مصاحبه با توافق وی تعیین می‌شد؛ همین امر کار جمع‌آوری اطلاعات را بسیار طولانی کرد. مدت هر مصاحبه از ۶۰ الی ۹۰ دقیقه و میانگین آن ۶۰ دقیقه بود. در این پژوهش، از سؤالات نیمه‌ساختارمند استفاده شد. مصاحبه با سؤال کلی درمورد رابطه خود و والدین شروع می‌شد. سپس، با راهنمایی و جهت‌دهی، سؤالات بعدی برای تشویق و دستیابی به توضیحات بیشتر مطرح می‌شد.

در پایان هر مصاحبه، محتوای ضبط‌شده و یادداشت‌های ثبت‌شده در حین مصاحبه پیاده‌سازی و به متن نوشتاری تبدیل شدند. گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها هم‌زمان صورت گرفت. این روند تا پایان مطالعه و دستیابی به اشباع داده‌ها ادامه یافت. پس از تجزیه و تحلیل مصاحبه اول، مصاحبه بعدی صورت می‌گرفت. برای تحلیل داده‌ها، از شیوه تحلیل محتوای توصیفی هوسرلی استفاده شد. واحد تحلیل در تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها مضمون است. تحلیل داده‌ها بر اساس روش توصیفی هفت مرحله‌ای کلایزی^۱ و با اجرای مراحل آشنایی^۲، شناسایی گزاره‌های بیانی مهم^۳، خلاصه‌کردن معانی^۴، خوشه‌بندی موضوعات^۵، ارائه توصیف جامع^۶، ایجاد ساختار بنیادی^۷ و اعتباربخشی به ساختار بنیادی^۸ صورت گرفت (Morrow, Rodriguez & King, 2015). به سبب حجم زیاد جداول مربوط به تجزیه و تحلیل گزاره‌ها و استخراج مقوله‌ها، تنها به یک نمونه از فرایند تجزیه و تحلیل مقوله الگوهای ارتباطات کلامی در جدول ۱ اشاره می‌شود. در کنار گویه‌ها، حرف P به معنای مشارکت‌کننده^۹ در مطالعه است و عدد هم‌کد هر مشارکت‌کننده است.

1. Colaizzi
2. Familiarisation
3. Identifying Significant Statements
4. Formulating Meanings
5. Clustering Themes
6. Developing An Exhaustive Description
7. Producing The Fundamental Structure
8. Seeking Verification Of The Fundamental Structure
9. Participant

جدول ۱. نمونه‌ای از فرایند تجزیه و تحلیل مقوله‌الگوهای ارتباطات کلامی میان فرزندان و والدین

دسته‌بندی مضامین	مقوله‌ها	مفاهیم خلاصه شده	گزاره‌ها
الگوهای ارتباطات کلامی	الگوی گفت و شنودی و مشارکتی	شنیدن سخنان همدیگر و احترام به نظرهای متفاوت و مخالف، عدم تحمیل افکار و نظرها به فرزندان	<ul style="list-style-type: none"> • معمولاً بحث‌ها مومن معمولاً چالشی هم می‌شه و هر کسی نظر خودش را داره، اما به هم احترام می‌گذاریم. من ندیدم که در هنگام بحث کردن با مادرم یا پدرم بگن تو اشتباه می‌کنی و توی ذوقم بزنی. سعی نمی‌کنن که دیدگاه خودشون را تحمیل کنن. به هم حمله نمی‌کنیم و احترام می‌ذاریم (p-39). • وقتی یک چیزی را باهاشون در میان می‌ذاریم، بابا و مامان همیشه به ما گوش می‌کنند و مانند یک دوست و دلسوز نظرشان رو می‌گویند. نصیحت دوستانه می‌کنند. من از مشورت و گفت‌وگو با اونا لذت می‌برم، چون منطقی همه زبرویم موضوع را می‌بینند و خوب راهنمایی می‌کنند (p-27). • پدرم و مادرم آدم مذهبی هستن و در مورد دین و اخلاق و این چیزها بحث می‌کنیم، اما نظر و اعتقاد خودشون را تحمیل نمی‌کنن. اگر در مواردی نظرم با نظر پدرم متفاوت باشه، پدرم، به جای اینکه زور بگه، کامل توضیح می‌ده و باهام صحبت می‌کنه و به نقطه مشترکی می‌رسیم (p-7). • وقتی برای موضوعی با پدر یا مادرم مشورت و گفت‌وگو می‌کنم، معمولاً از تجربه‌های خودشون برامون می‌گن؛ اما می‌گن که خودت تصمیم بگیر. سعی می‌کنن در تصمیم‌گیری درست کمکم کنند. هر وقت باهاشون مشورت کردم نتیجه خوبی گرفتم (P-2).

صحت در پژوهش‌های کیفی نظیر پدیدارشناسی به معنای صحت و کفایت روش کار است. محققان در مورد صحت احتمالی از طریق خواص قابلیت وابستگی، اعتبار، قابلیت انتقال و تأییدپذیری قضاوت می‌کنند. مهم‌ترین این خواص اعتبارپذیری است (Burns & Grove, 2007). روش‌های مختلفی برای صحت‌سنجی در پژوهش‌های کیفی وجود دارد. رایج‌ترین این راهبردها عبارت‌اند از: بازبینی توسط اعضا، جست‌وجو برای یافتن موارد منفی یا جایگزین، بازبینی توسط همکاران، روش‌های تلفیقی و حساسی یا تصمیم‌گیری. در این پژوهش، به منظور حصول اطمینان از کدهای به‌دست‌آمده، از بازنگری همکاران استفاده شد و در صورت نیاز تغییرات لازم صورت گرفت.

یافته‌های پژوهش

بررسی ویژگی‌های جامعه مورد مطالعه نشان می‌دهد که «رشته تحصیلی» بیشتر مشارکت‌کنندگان علوم انسانی (۵/۵۲ درصد) و بقیه در رشته تجربی یا ریاضی مشغول به تحصیل بوده‌اند. نتایج بیانگر این است که بیشترین سطح «تحصیلات والدین نوجوانان» مشارکت‌کننده، یعنی ۶۵ درصد از آنان، دیپلم و زیردیپلم است که سهم مادران زیردیپلم بیشتر از پدران است. همچنین حدود ۳۷ درصد مادران و ۹۰ درصد پدران شاغل و ۶۲ درصد مادران و ۱۰ درصد پدران فاقد شغل (بیکار، بازنشسته و...) هستند. بیشتر نوجوانان، یعنی ۵/۵۲ درصد آنان، در خانوارهای ۴ نفره شامل والدین و دو فرزند زندگی می‌کنند. میانگین تعداد اعضای خانوار در خانواده نوجوانان مورد بررسی ۴/۲۴ نفر است.

انواع الگوهای ارتباطی در خانواده بر اساس یافته‌ها

خانواده نخستین کانون شکل‌گیری تجربه ارتباطات و تعاملات انسانی بین والدین و فرزندان به شمار می‌رود. بخش مهمی از ارتباطات میان فردی ارتباطات کلامی است که بر اساس اطلاعات، احساسات و معانی از طریق کلام و گفتار بین دو نفر یا بیشتر مبادله می‌شود؛ گرچه اهمیت ارتباطات غیرکلامی نظیر ایما و اشاره و حرکات و زبان بدن نیز بسیار مهم است. با تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه نوجوانان می‌توان گفت که سه الگوی ارتباطات کلامی میان والدین و فرزندان در خانواده قابل مشاهده است که عبارت‌اند از: الگوی گفت‌وشنودی و مشارکتی، الگوی مناظره‌ای و جدلی و الگوی تک‌گویی نصیحت محور و سرزنش‌آمیز (جدول ۲).

جدول ۲. انواع ارتباطات کلامی والدین و فرزندان

فراوانی	مقوله‌ها	مفاهیم خلاصه شده
۱۰	گفت‌وشنودی و مشارکتی	شنیدن سخنان همدیگر، احترام و پذیرش نظرها و باورهای متفاوت و مخالف همدیگر، لذت بردن از گفت‌وگو با هم انتقاد راحت و آزادانه از همدیگر، احترام به علایق و انتخاب‌های همدیگر، مشارکت فعال در تصمیم‌گیری‌ها، همکاری دو طرف برای فهم موضوع و اخذ تصمیم
۱۸	جدلی و مناظره‌ای	تلاش والدین برای مبارزه طلبی، رقابت با فرزندان، تلاش برای اثبات برتری و صحیح بودن نظریات خود، شکست دادن و محکوم کردن فرزندان، کوچک‌پنداری و تحقیر فرزندان
۱۲	تک‌گویی نصیحت محور و سرزنش آمیز	نصیحت‌گرایی والدین، تخطئه و سرزنش فرزندان، عدم مشارکت فرزندان در تصمیم‌گیری و فقدان اظهارنظر فرزندان در مورد برنامه‌ها و نقشه‌ها، حرف زدن یک جانبه بدون گوش کردن به فرزندان، انتظار تبعیت بی قید و شرط فرزندان از نظریات والدین، وادار کردن فرزندان به پذیرش نظریات والدین و انتظار سکوت فرزندان

الگوی گفت‌وشنودی و مشارکتی

گفت‌وشنود یا دیالوگ به معنای گفتن و شنیدن و تبادل اندیشه و افکار بین دو شخص یا بیشتر است و بیانگر عملی است که در آن افراد فرصت می‌یابند تا با هم ارتباط برقرار کنند و یکدیگر را تجربه کنند. هدف در گفت‌وشنود تأیید یا رد تفکر، باور و انتخاب دیگری نیست؛ بلکه فهم هستی و درک صحیح ارزش‌ها و باورها و علایق دیگری است. گفت‌وشنود فرایندی ارتباطی است که در آن دو یا چند نفر در مورد موضوعی با رعایت اصولی چون برابری موضع فکری، روابط همدلانه و احترام‌آمیز، گوش دادن فعال، تعلیق قضاوت، طرح سؤال، درک و پذیرش طرف مقابل با اهدافی چون کشف حقیقت، تغییر شناخت، ایجاد فهم مشترک، شناخت جمعی، آگاهی و تفکر انتقادی با همدیگر به گفت‌وگو می‌پردازند. در گفت‌وگوی حقیقی، هدف دستیابی به توافق نیست؛ بلکه بیشتر درک و فهم حقیقت و حصول تفاهم است (نیستانی، ۱۳۹۴).

برخی از نوجوانان بر این باورند که ارتباطات کلامی آن‌ها با والدینشان از نوع گفت‌وشنود است؛ به این معنا که هنگام صحبت و مشورت درباره فعالیت‌ها، برنامه‌ها، نقشه‌ها و موضوعات مختلف خانوادگی و شخصی و اجتماعی، با وجود تفاوت در دیدگاه‌ها و مواضع، فرایند بحث به سمت چالش و تنش پیش نمی‌رود؛ زیرا والدین سعی در تحمیل دیدگاه‌ها و

علاقی خود ندارند، بلکه ضمن احترام گذاشتن و پذیرش تفاوت مواضع و دیدگاه‌های فرزندان و مشورت و نظرخواهی از آنان و بدون پیش داوری و تحمیل نظر شخصی، سعی در توضیح و تشریح موضوع برای اقناع فرزندان و اتخاذ موضع و تصمیمی منصفانه و حصول تفاهم دارند. البته وجود «الگوی گفت‌و شنودی» یا «ارتباطات گفت‌وگومحور مشارکتی» تنها در میان تعداد کمی از خانواده‌های نوجوانان (۱۰ خانواده) وجود دارد. برخی از گویه‌های استخراج شده از دل مصاحبه‌ها چنین است:

- معمولاً بحث‌ها مومن معمولاً چالشی هم می‌شه و هر کسی نظر خودش را داره، اما به هم احترام می‌گذاریم. من ندیدم که در هنگام بحث کردن با مادرم یا پدرم بگن تو اشتباه می‌کنی و توی ذوقم بزنی. سعی نمی‌کنن که دیدگاه خودشون را تحمیل کنن. به هم حمله نمی‌کنیم و احترام می‌ذاریم (p-39).

- وقتی یک چیزی را باهاشون در میان می‌ذاریم، بابا و مامان همیشه به ما گوش می‌کنند و مانند یک دوست و دلسور نظرشان رو می‌گویند. نصیحت دوستانه می‌کنند. من از مشورت و گفت‌وگو با اونا لذت می‌برم، چون منطقی همه زیربوم موضوع را می‌بینند و خوب راهنمایی می‌کنند (P-27).

- پدرم و مادرم آدم مذهبی هستن و درمورد دین و اخلاق و این چیزها بحث می‌کنیم، اما نظر و اعتقاد خودشون را تحمیل نمی‌کنن. اگر در مواردی نظرم با نظر پدرم متفاوت باشه، پدرم، به جای اینکه زور بگه، کامل توضیح می‌ده و باهام صحبت می‌کنه و به نقطه مشترکی می‌رسیم (P-7).

- وقتی برای موضوعی با پدر یا مادرم مشورت و گفت‌وگو می‌کنم، معمولاً از تجربه‌های خودشون برامون می‌گن؛ اما می‌گن که خودت تصمیم بگیر. سعی می‌کنن در تصمیم‌گیری درست کمک کنن. هر وقت باهاشون مشورت کردم نتیجه خوبی گرفتم (P-2).

الگوی مناظره‌ای و جدلی

یکی از انواع ارتباطات کلامی بین افراد مجادله، مناظره و مناقشه است که در آن‌ها هدف غایی پیروزی «خود» و شکست «دیگری» است. در جدل و مناظره، مشارکت‌کنندگان با هم رقابت می‌کنند و برای پیروزی تلاش می‌کنند (Pearce & Pearce, 2004). در این نوع ارتباطات کلامی هدف پیروزی و غلبه بر دیگری است که با اتخاذ رفتار خصمانه و پیدا کردن ضعف‌ها و عیوب مواضع فکری دیگری همراه است؛ هر طرف، با استدلال و ارائه براهین، سعی می‌کند برتری و فضیلت خویش را بر دیگری به اثبات برساند.

بر اساس نتایج تحلیل داده‌ها می‌توان گفت که بیشترین شکل ارتباطات کلامی والدین

و فرزندان «مناظره‌ای و جدلی» است؛ به طوری که ۲۲ نفر از نوجوانان معتقدند که هنگام صحبت و بحث، والدین در تلاش برای اجبار و تحمیل نظرها، باورها و علایق خود به فرزندان هستند. والدین بحث کردن روی موضوع را همانند جلسه مناظره می‌دانند و با هدف شکست دادن فرزندان سعی می‌کنند صحیح بودن نظرها و دیدگاه‌های خود را به فرزندان تحمیل کنند و اثبات اشتباهات فرزندان را به رخ بکشند و نظرها و افکار و مواضع فرزندان را طرد و تحقیر کنند. والدین علایق، انتخاب‌ها، انتقادات و استدلال‌های منطقی فرزندان را بر نمی‌تابند. نتیجه چنین مجادله‌ای گریزان بودن فرزندان از بحث کردن با والدین و در پیش گرفتن راهبرد سکوت است. برخی از گویه‌های بیانگر الگوی مناظره‌ای و جدلی عبارت‌اند از:

- بیشترین چالش من بابا و مامان روی مدل مو و پوشش من است. من مدل به روز دوست دارم که با سلیقه و نظر اونا نمی‌خونه. همیشه سر این موضوع بحث و تنش داریم. می‌خوان به من بفهمانند که نظر و رفتارم غلط است، اینکه لحظه‌ای و احساسی تصمیم می‌گیرم و آینده را نمی‌بینم (P-4).

- زمانی که با هم هستیم در مورد عقاید و باورهای شخصی من مثلاً در مورد حجاب، دین داری و نماز و دروغ گفتن و این چیزها صحبت می‌کنیم. همیشه هم به اختلاف نظر می‌رسیم. تمام هم‌وغمشون اینه که من و به راه راست هدایت کنند اما نمی‌تونن (P-25).

- من واقعاً از صحبت با بابا و مامان لذت نمی‌برم. اونا نظرات من رو قبول ندارن. خودشون را عقل کل می‌دانند. همیشه سعی می‌کنند ثابت کنند که من بچه‌ام و دانش و معلوماتم از اونا پایین تره (P-8).

الگوی تک‌گویی نصیحت محور و سرزنش آمیز

تک‌گویی یا مونولوگ عکس گفت‌وگوی دوطرفه است. در مونولوگ فرد مقتدرانه اندیشه و رفتار دیگران را سرزنش، نصیحت و تخطئه می‌کند و درک خویش را، به گمان اینکه فهم و تفسیر درستی است، به دیگران تحمیل می‌کند. تک‌گویی انکار این واقعیت است که بیرون از «من» ممکن است آگاهی دیگری وجود داشته باشد که به اندازه شناخت من معتبر است و قادر است در برابر اندیشه من بایستد و توان پاسخ داشته باشد. مونولوگ به انکار دیگری و استقلال و کفایت آن به عنوان اندیشه و باور مستقل برمی‌خیزد. بر این اساس، خود را کامل و کافی می‌پندارد و گوش شنوایی برای شنیدن دیگری ندارد؛ اما به دنبال گوش شنوا و پذیرا برای شنیدن سخنان، منویات و دیدگاه‌های خود است.

برخی از نوجوانان (۱۰ نفر) بر این باورند که والدین هنگام صحبت کردن با آن‌ها انتظار دارند که فرزندان تنها شنونده و مجری حرف‌ها و دستورهایشان باشند و کمتر گوش شنوایی

برای شنیدن نظرها و انتقادهای و تمرکز و توجه به عمق سخنان فرزندان دارند. والدین، با رویکرد تک‌گویی نصیحت‌گرای از بالا و آمرانه و سرزنش‌آمیز، انتظار تبعیت و پذیرش و اجرای یک‌جانبه منویات و گفته‌های خود را از فرزندان دارند.

- کلاً در بحث بین من با بابا و مامانم اختلاف زیادی پیش بیاید. پدر می‌گه ببین ما صلاح تو رو می‌خواهیم، بهتره گوش کنی. انتظار دارن من همه حرف‌ها و نظراتشون را بپذیرم و هیچی نگم. احساس می‌کنم من اصلاً دیده نمی‌شم و فقط باید گوش کنم (P-11).

- وقتی با بابا سر به موضوع مذهبی یا سیاسی بحث می‌کنیم، حرف خودش را می‌زنه، یکهو ول می‌کنه و می‌ره. حاضر نیست نظرات ما را هم بشنوه. می‌گه من اندازه تو بودم هرچه بابام می‌گفت می‌پذیرفتم، اما تو الان شاخ شدی برام (P-10).

- بابام در خونه درباره همه چیز تصمیم‌گیری می‌کند. مثلاً شب می‌خواه صبح پا می‌شه می‌گه بریم شمال. درباره خرید وسایل خونه کلاً نظر نمی‌پرسند. خودشون می‌خرند و می‌آرن (P-2).

محور بحث‌ها و گفت‌وگوی والدین و فرزندان

ارتباطات میان فردی بستر مهم انتقال و مبادله معانی، اطلاعات، افکار، اندیشه‌ها، باورها و ارزش‌های بین افراد و ارتباط‌گران است. در واقع، در ارتباطات میان فردی افراد از طریق ارتباطات کلامی و غیرکلامی به بحث و گفت‌وگو در مورد موضوعات مختلف نظیر تجربه‌ها، خاطرات، دغدغه‌ها، اهداف، برنامه‌ها، بینش‌ها و جهان‌بینی‌های خود می‌پردازند و برای به اشتراک‌گذاری معانی و برداشت‌ها و تأثیرگذاری بر دیگری تلاش می‌کنند. یکی از سؤالات مهم در این پژوهش این بود که «بهانه یا محور بحث و گفت‌وگوی والدین و فرزندان چیست؟».

نتایج حاصل از تحلیل مصاحبه با نوجوانان نشان می‌دهد که عمده‌ترین گفت‌وگوهای فرزندان و والدین در خانواده (۳۴ مورد) در مورد «فعالیت‌های آموزشی و درسی فرزندان و اتفاقات مدرسه و یا فعالیت‌های روزمره اعضای خانواده» است. در واقع، می‌توان گفت که گزارش فعالیت‌های روزانه فرزندان در محیط آموزشی و مدرسه و همچنین گزارش فعالیت‌های والدین در داخل خانه و محل کار محور اصلی و پررنگ گفت‌وگوهای والدین و فرزندان است. می‌توان این نوع گفت‌وگو را گفت‌وگو با هدف اطلاع‌رسانی نامید که در آن یک نفر سؤال می‌کند و دیگری گزارش می‌دهد.

سهم بقیه موضوعات و محورهای نظیر «به اشتراک‌گذاری تجربه‌ها و خاطره‌های والدین»؛ «بحث در مورد موضوع و محتوای یک فیلم یا کتاب»؛ «بحث در مورد برنامه‌ها و آرزوها و

نقشه‌های آینده خانواده و فرزندان» و همچنین «بحث‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی» بسیار کمتر بوده است. در واقع، گفت‌وگوهای والدین و فرزندان عمق چندانی ندارند و به نوعی تکرار و روزمرگی منجر می‌شوند و فاقد مزیت یادگیری و توسعه فکری و خلق معنای مشترک‌اند.

جدول ۳. محور بحث‌ها و گفت‌وگوی والدین و فرزندان

فراوانی	مقوله‌ها	مفاهیم خلاصه شده
۱۰	تجربه‌ها و خاطره‌های والدین	نقل داستان زندگی و سختی‌ها و خوشی‌های زندگی برای فرزندان
۲	محتوای یک کتاب	بحث در مورد موضوع کتاب و داستان فیلم و شخصیت‌ها و نکات و پیام اخلاقی و اجتماعی و ...
۲	داستان یک فیلم	
۱۱	برنامه‌ها و آرزوهای آینده	بیان و به اشتراک‌گذاری دغدغه‌ها، اولویت‌ها، برنامه‌ها و نقشه زندگی در خانواده
۳۴	مدرسه و فعالیت‌های روزمره	صحبت درباره اتفاقات مدرسه و امور جاری خانه و خانواده
۴	اجتماعی و سیاسی و فرهنگی و اقتصادی	صحبت درباره افکار و رفتارهای مردم، جامعه، دولت و سازمان‌ها

تجربه‌ها و خاطره‌های والدین

یکی از محورهای بحث و گفت‌وگو در ارتباطات میان فردی نقل و بیان و مبادله خاطره‌ها و تجربه‌ها و رویدادهای تلخ و شیرینی است که در طول زندگی برای فرد روی داده است. والدین در قالب خاطره و تجربه ارزش‌ها، باورها و آرمان‌هایشان را با فرزندان به اشتراک می‌گذارند. از سوی دیگر، بیان تجربه‌های شخصی و اندوخته شده والدین، هر دو، چراغ راه زندگی فرزندان هستند و می‌توانند راهگشای آینده آن‌ها باشند. نتایج برخی از پژوهش‌ها نشان می‌دهد که علاوه بر نقش انتقال ارزش‌ها و باورها، خاطره‌گویی و به اشتراک‌گذاری تجربه‌ها موجب شکل‌گیری تعامل مثبت و باکیفیت با دیگران می‌شود و به افراد امکان می‌دهد تا در مورد آنچه برایشان مهم است صحبت کنند؛ محیط حمایتی و آرام‌بخشی فراهم می‌کند و میزان ارتباط و تعامل و احساس تعلق افراد را افزایش می‌دهد و موجب اعتماد به نفس و رضایت از زندگی می‌شود (حجتی، شریف‌نیا، حسینعلی‌پور، نیکخواه و آسایش، ۱۳۹۰). مرور تجارب و خاطرات زندگی باعث بهبود روابط اجتماعی، افزایش کیفیت زندگی، بهبود سازگاری با مسائل زندگی و کاهش احساس تنهایی و افسردگی در میان افراد می‌شود.

تحلیل گویه‌ها نشان می‌دهد که بیان خاطره‌ها و تجربه والدین تنها در میان بخشی کوچکی از خانواده نوجوانان (۱۰ خانواده) مورد بررسی رواج دارد و تنها «محدود به دوران کودکی فرزندان» است و در دوران نوجوانی کاهش یافته است. برخی از نوجوانان هم بر این باورند که نقل خاطرات و تجربه‌ها به ابزار والدین برای «مقایسه دوران کودکی والدین با دوران کودکی فرزندان و سرزنش آن‌ها» تبدیل شده است. برخی از نوجوانان هم بر این باورند که شنیدن تجربه‌های تلخ و شیرین والدینشان برایشان لذت بخش است و به «روشن شدن مسیر زندگی و تقویت انگیزه» کمک می‌کند. برخی از این گویه‌ها عبارت‌اند از:

- پدر و مادرم وقتی کوچک‌تر بودیم بیشتر برامون از خاطرات و داستان زندگی و آرزوهاشون می‌گفتن. تقریباً همه داستان تلخ و شیرین زندگی مامانم و بابام را می‌دونم (P-1).

- بچه بودیم با پدر و مادرم زیاد صحبت می‌کردیم. از تجربه و خاطره‌ها و داستان‌ها برامون می‌گفتند. این‌ها تا دوره راهنمایی ادامه داشت؛ اما الان دیگه تعطیل شده و چند سالی است که کمتر کنار هم هستیم و کمتر با هم حرف می‌زنیم، مگر صحبت‌های معمولی روزانه (P-5).

- الان نقل داستان زندگی و خاطرات والدین کمتر شده. قبلاً پدر وقتی از تجارب و خاطراتش می‌گفت، اما خیلی زندگی آن دوران خودش را با ما مقایسه می‌کنه، نصیحت می‌کنه. درسته زحمت کشیده برای ما، اما لحن خوبی نداره. من لذت نمی‌برم از شنیدن خاطراتش (P-3).

- قبلاً بابام همیشه از خاطرات و داستان زندگی‌اش از کودکی تا ازدواج و زحماتی که برای پول درآوردن و خونه خریدن و... کشیده می‌گفت. مامان کمتر از خاطرات و داستان‌های زندگی‌اش می‌گه (P-9).

داستان فیلم و کتاب

داستان و موضوع کتاب یا فیلم بهانه و محور مناسبی برای گفت‌وگو بین افراد یک گروه به‌ویژه والدین و فرزندان است. مطالعه کتاب و بحث درمورد موضوع و محتوا و پیام و نقد اجتماعی و سیاسی و اخلاقی و فرهنگی آن می‌تواند به شکل‌گیری گفت‌وگو و بحث بین والدین و فرزندان نوجوان تبدیل شود. همچنین دیدن فیلم خوب و دارای پیام‌های اجتماعی و جذابیت‌های هنری و فنی، چه به صورت تنهایی و چه در جمع (در سینما یا در محیط خانه)، می‌تواند به خلق گفت‌وگو بین والدین و فرزندان کمک کند.

در میان جامعه مورد مطالعه تنها ۲ نفر از نوجوانان بیان داشتند که جدی و هدفمند به گفت‌وگو با والدین درمورد فیلم‌هایی می‌پردازند که دیده‌اند و یا نقد آن را در جایی خوانده

و شنیده‌اند. اکثر نوجوانان (۳۸ نفر) اذعان داشتند که با والدین خود در مورد کتاب بحث و گفت‌وگویی نداشته‌اند؛ زیرا فرهنگ و عادت و علاقه به مطالعه در خانواده وجود ندارد و نهادینه نشده و خود نوجوانان نیز، به جز کتاب‌های درسی، کتاب دیگری نظیر داستان و رمان و تاریخ و نظایر آن را نمی‌خوانند. گرچه مطالعه برخی از نوجوانان رسانه‌محور شده و برخی داستان‌ها و مباحث را در شبکه‌های تلگرامی و وبگاه‌ها مطالعه می‌کنند. برخی از گویه‌های استخراج‌شده از دل گفته‌های نوجوانان در زمینه نبود مطالعه و بحث بر روی موضوع و محتوای کتاب چنین است:

- کم کتاب می‌خوانیم و تابه‌حال توی خونه در مورد کتاب یا داستانی که خونده‌ایم با هم حرف نزده‌ایم. مثلاً در مورد موضوع کتاب و اینکه این کتاب چرا خوبه و چی می‌گه (P-2).

- یادم نمی‌آد که کتابی غیردرسی خونده باشیم و راجع به موضوع کتاب با هم بحث کرده باشیم (P-1).

- ما مطلبی چیزی نمی‌خوانیم که در موردش حرف بزنیم. ولی یه وقت‌هایی با مادرم فیلم می‌بینم توی خونه؛ اما در موردش گفت‌وگو و بحث خاصی نمی‌کنیم (P-3).

- کمتر سینما می‌رویم. بیشتر توی خونه هستیم. فیلم و سریال را جدا جدا می‌بینیم نه با هم. برای همین، کمتر فرصت می‌شه که فیلمی را به هم معرفی کنیم یا در موردش حرف بزنیم (P-6).

- کمتر با هم به صورت مشترک فیلمی می‌بینیم. چون تو خونه من توی اتاق خودم با لپ‌تاپ و کامپیوتر فیلم می‌بینم (P-8).

- هر وقت فیلم خوبی را تنهایی ببینم برای بابا و مامانم تعریف می‌کنم. چون دوست دارم موضوع و داستان فیلم رو بهشون بگم. اونا هم خیلی خوب گوش می‌دن و همیشه می‌گن این قدر خوب تعریف می‌کنی که انگار داریم فیلم را می‌بینیم. وقتی فیلمی را با هم نگاه می‌کنیم، مادرم یا پدرم در مورد هم نکات اخلاقی و اجتماعی فیلم می‌گه بین دقت کردی چی داره می‌گه. مراقب باش، چون در زندگی‌ت شاید این چیزها برات اتفاق بیفته (P-30).

- توی خونه کتاب زیاد داریم. در مورد آینده جهان و تاریخ و ادبیات و شعر و رمان و خیلی چیزهای دیگه کتاب داریم؛ اما هیچ کس به اونا دست نمی‌زند. یا وقت نداریم یا علاقه. برای همین، هیچ وقت نشده که در مورد داستان یکی از این کتاب‌ها با هم صحبت کنیم. من خودم دوست دارم وقتی کتابی را بخونم که در موردش یه کم برام توضیح بدن و جذابیت‌های اونو بگن. ما وقت آزادمون بیشتر فیلم می‌بینیم، اما در مورد موضوع فیلم کمتر صحبت می‌کنیم. بیشتر در مورد شخصیت‌های فیلم صحبت می‌کنیم (p-31).

برنامه‌ها و آرزوهای آینده اعضای خانواده

یکی از شاخص‌های خانواده‌های نرمال و دارای ارتباطات میان فردی مطلوب حرف‌زدن و گفت‌وگو در مورد برنامه‌ها، نقشه‌ها و آرزوهایی است که در حال و آینده دارند. در واقع، ارتباطات میان فردی در خانواده سازوکاری برای به اشتراک‌گذاری برنامه‌های زندگی والدین و فرزندان، بیان دغدغه‌ها و اولویت‌های زندگی در خانواده و راهنمایی و تشویق والدین است. با خبر بودن اعضای خانواده از برنامه‌ها و نقشه‌های همدیگر موجب افزایش همدلی و حمایت‌های مختلف روحی و عاطفی و مادی می‌شود. بیشتر نوجوانان مشارکت‌کننده (۲۹ نفر) اعلام می‌کنند که هنگام صحبت با والدینشان کمتر از آرزوها و برنامه‌هایشان صحبت می‌کنند. از نظر برخی از آنان، این امر علل مختلفی نظیر «جدی نگرفتن آرزوهای فرزندان»؛ «عدم حمایت و تشویق والدین»؛ «فقدان مشورت و راهنمایی درست»؛ «عدم احترام و تمسخر آرزوهای فرزندان»؛ و «ویژگی‌های شخصیتی فرزندان (پنهان‌کاری، عدم خودابرازی و...)» است. برخی از گویه‌ها و گزاره‌های حاوی علل عدم بحث در مورد برنامه‌ها و آرزوها چنین است:

- خیلی کم در مورد آرزوها و آینده‌مون حرف می‌زنیم. وقتی برای این چیزها نمی‌ذاریم. همه درگیر کار و درس و سرگرمی (با تلویزیون و موبایل) هستیم (P-1).
- بعضی اوقات شخصاً در خونه در مورد آرزوهایم صحبت می‌کنم. مثلاً می‌گم اگر این پول داشته باشم این کارو می‌کنم، ولی مادر و پدرم کمتر. تا به حال نشده پدرم بگه بیا ببینم چطوری، می‌خوای به این آرزوهایم برسی و راهنمایی کنه (P-11).
- خیلی کم در مورد نقشه‌های آینده‌مون در خونه صحبت می‌کنیم. البته همه می‌دونن که من خیلی به کتوننی اورجینال علاقه دارم؛ تو آینده هم می‌خوام مغازه بزوم. بابام می‌گه این کار به درد تو نمی‌خوره. کم‌کم نمی‌کنند (P-16).
- قبلاً در مورد آرزوها و رؤیاهام با پدر و مادرم صحبت می‌کردم، اما چون مورد تمسخر مادرم قرار گرفتم، الان مدتی که دیگه نمی‌گم؛ یعنی من و دست پایین می‌گیرند. مادر گاهی اوقات در مورد برنامه‌های زندگی‌مون صحبت می‌کنه، اما پدر کمتر (P-17).
- از میان جامعه مورد مطالعه، تعداد ۱۱ نفر از نوجوانان نیز بر این باورند که در هنگام صحبت و گفت‌وگو با والدینشان از آرزوها و برنامه‌های خود می‌گویند، راهنمایی و مشورت می‌گیرند و از سوی والدین مورد حمایت و تشویق و همدلی قرار می‌گیرند:
- همه ما توی خونه از کار همدیگه خبر داریم. بابام همه چیز را به ما می‌گه؛ اینکه چقدر درآمد و چقدر هزینه داریم یا قصد داره امسال چکار کنه؛ اینکه چقدر پس‌انداز کنیم برای خرید خونه بزرگ‌تر یا امسال کدام شهرهای ایران را بریم بهتره و... (P-6).

- درمورد برنامه‌های زندگی مون و آینده صحبت می‌کنیم. بابا و مامان می‌خوان هم‌زمان هم درسمو بخونم، هم در املاک به پدر کمک کنم. همه از اهداف هم خبر داریم و برای رسیدن به آن‌ها برنامه‌ریزی می‌کنیم (P-8).

مدرسه و فعالیت‌های روزمره

نتایج نشان داد که بیشترین محور صحبت‌ها و گفت‌وگوهای والدین و فرزندان حول «مدرسه و فعالیت‌های روزمره خانواده» است. به عبارتی، بیش از ۳۴ نفر از نوجوانان ابراز کرده‌اند که پرس‌وجو و حرف‌زدن درمورد درس (پیگیری وضعیت درسی، پیشرفت تحصیلی و...); اتفاقات مدرسه (رویدادهای تلخ و شیرین مدرسه); اتفاقات محل کار پدر و مادر؛ و کارها و فعالیت‌های روزمره و تکراری خانواده بیشترین محورهای بحث‌های خانواده را تشکیل می‌دهند. به عبارتی، والدین و فرزندان نوعی گفت‌وگوی کوتاه، تکراری و غیرعمیق به‌منظور خبررسانی و اطلاع‌رسانی درمورد وضعیت و اتفاقات مدرسه و دانشگاه و فعالیت‌ها و امور جاری خانه و خانواده با همدیگر دارند:

- گاهی اوقات بابا می‌گه چه خبر از مدرسه؟ درسات چطوره؟ من هم چیزهای مثبت مدرسه و دوستانم را بهشون می‌گم (P-1).

- اگر صحبتی هم باشه، بیشتر درمورد مسائل و نیازهای روز خونه و محل کار و تعریف اتفاقات مدرسه است (p-2).

- وقتی با هم هستیم، درباره‌ی خیلی چیزها حرف می‌زنیم؛ از خبرهای مدرسه گرفته تا اخبار روز جامعه و گرانی و خرج و مخارج زندگی (P-6).

- خانواده‌ی ساکتی نیستیم و معمولاً زمانی که با هم هستیم درمورد اتفاقات روزانه در مدرسه و محل کار بابا و مامانم صحبت می‌کنیم (P-8).

- زمانی که دورهمی خانوادگی داریم، شخصاً از مدرسه چیزی نمی‌گم، مگر اینکه خودشون چیزی بپرسن. مادرم از دانشگاهش می‌گه. بابام کمتر درمورد محل کارش صحبت می‌کنه (P-9).

فرهنگ، جامعه و سیاست

یکی از محورهای مهم در گفت‌وگوهای خانوادگی، بحث درمورد موضوعات مسئله‌محور و مهم جامعه در حوزه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است. به نظر می‌رسد که بحث و گفت‌وگو درمورد موضوعات اجتماعی و فرهنگی زمینه‌ی شکل‌گیری گفت‌وگوهای عمیق و طولانی و مبادله‌ی افکار و اندیشه‌ها و جهان‌بینی‌ها را بین والدین و فرزندان فراهم می‌کند. تنها

۳ نفر از نوجوانان مشارکت‌کننده اظهار داشتند که با والدین خود در مورد مسائل اجتماعی نظیر رفتار، پوشش، اخلاق و هنجارهای جامعه به بحث، نقد و تجزیه و تحلیل می‌پردازند. من خودم بیشتر دربارهٔ مدرسه و چیزهایی که توی شهر در مسیر مدرسه یا توی فیلم و سریال‌ها می‌بینم صحبت می‌کنم، اما مادرم کمتر صحبت می‌کنه. همه چی رو می‌گم توی خونه. گاهی مادرم می‌گه بسه تو چقدر حرف می‌زنی؛ اما با بابام بحث جدی و طولانی می‌کنم روی حجاب، وضعیت مملکت و برخوردهای مردم (P-24).

وقتی رفتارهای نادرست مردم را در مترو یا خیابان می‌بینیم برای هم تعریف و بحث می‌کنیم. اینکه چرا مردم ما این‌طوری شدند. مامانم خیلی خوب این چیزها را تحلیل می‌کنه برام. بابا هم همیشه می‌گه کاری نکنید که مردم در مورد شما توی جامعه بد بگن. همیشه الگوی رفتار خوب و اخلاق انسانی باشید. از گفت‌وگو باهاشون لذت می‌برم (P-35).

چون بابا و مامانم معلم هستند، بحث از وضعیت درس و مدرسه و معلم‌ها خیلی توی خونهٔ ما پررنگ است. دربارهٔ اخبار روز کشور و وضعیت اقتصادی و رفتاری جامعه با هم صحبت می‌کنیم (P-39).

بیشتر نوجوانان بیان می‌کنند که کمتر با والدین خود وارد بحث و گفت‌وگو در مورد مسائل سیاسی و اجتماعی و فرهنگی می‌شوند. برخی از نوجوانان علل فقدان بحث در مورد موضوعات مذکور را «عدم علاقه و اشتیاق والدین به بحث‌های جدی در موضوعات سیاسی، اجتماعی و...» و «عدم توان پاسخ‌گویی والدین به سبب نداشتن دانش و آگاهی کافی» می‌دانند:

برخی اوقات یه مطلب جالب سیاسی و اقتصادی توی یه سایت یا کانال دربارهٔ تاریخ یا وضع کشورمون برای بابا و مامان می‌خونم، اما می‌گن ول کن این چیزها رو... برای تو زوده؛ به درسات برس به جای این چیزها. از بحث در مورد این چیزها خوششون نمی‌آد (P-4).

خیلی علاقه دارم که کسی توی خونه برام توضیح بده که چرا وضع جامعه ما به هم ریخته؛ این همه گرانی و دزدی برای چیه. احساس می‌کنم درس خوندم بی‌فایده است وقتی این خبرها را می‌شنوم؛ اما بابا و مامانم علاقه‌ای به این موضوعات ندارند و می‌گن سیاست را ول کن (P-10).

تا دورهٔ ابتدایی تمام سؤالاتم را از بابا و مامانم می‌پرسیدم. تا جایی که می‌تونستند خوب پاسخ می‌دادند؛ اما الان دغدغه‌ها و موضوعاتی در ذهنم است که نمی‌تونند برای من تحلیل کنند. برای همین، من می‌رم سراغ اینترنت یا معلم و دوستانم (P-12).

بحث و نتیجه‌گیری

مطالعه کیفی پیش رو در جامعه محدود ۴۰ نفره با هدف بررسی و تحلیل تجربه زیسته نوجوانان از میزان، نوع و کیفیت ارتباطات میان فردی با والدینشان صورت گرفت. اگر ارتباطات میان فردی را سازوکاری بدانیم که طی آن اعضای خانواده از طریق پیام‌های کلامی و غیرکلامی نیازها، خواسته‌ها، عواطف، نگرانی‌ها، دغدغه‌ها، تجربه‌ها، افکار، دیدگاه‌ها و احساسات خود را با یکدیگر در میان می‌گذارند، مشورت می‌گیرند، تصمیم می‌گیرند، از همدیگر حمایت و پشتیبانی عاطفی و روانی می‌کنند و تضادها و تنش‌ها را رفع می‌کنند، نتایج این پژوهش بیانگر وجود «اختلال و شکاف ارتباطی» در ارتباطات والدین و فرزندان در خانواده‌های موردبررسی است.

نتایج پژوهش نشان داد گرچه خانواده باید کانون «ارتباطات گفت‌وگومحور و مشارکتی» همدلانه و مبتنی بر پذیرش و احترام به دیگری با هدف به اشتراک‌گذاری نظرها و تبادل باورها، ارزش‌ها، احساسات، عواطف، آرزوها و برنامه‌های آینده باشد؛ اما «ارتباطات گفت‌وشنودی و مشارکت‌محور» حضور حداقلی در روابط بین والدین و فرزندان مورد مطالعه دارد و برعکس، «ارتباطات مناظره‌ای و جدلی» و «ارتباطات تک‌گویی نصیحت‌محور» به صورت حداکثری وجود دارند. به عبارتی، هنگام صحبت و بحث، والدین در تلاش برای اجبار و تحمیل نظرها، باورها و علایق خود به فرزندان هستند. والدین بحث‌کردن را همانند جلسه مناظره می‌دانند و با هدف شکست دادن فرزندان سعی می‌کنند صحیح بودن نظرها و دیدگاه‌های خود را به فرزندان تحمیل کنند و اثبات اشتباهات فرزندان را به رخ بکشند و نظرها و افکار و مواضع فرزندان را طرد و تحقیر کنند. والدین علایق، انتخاب‌ها، انتقادات و استدلال‌های منطقی فرزندان را برنمی‌تابند. نتیجه چنین مناظره و مجادله‌ای گریزان بودن فرزندان از بحث‌کردن با والدین و در پیش گرفتن راهبرد سکوت و یا ترک صحنه و فضاست. همچنین فرزندان معتقدند که والدینشان، هنگام صحبت‌کردن با آن‌ها، انتظار دارند که فرزندان تنها شنونده و مجری حرف‌ها و دستورهایشان باشند و کمتر گوش شنوایی برای شنیدن نظرها و انتقادات و تمرکز و توجه به عمق سخنان فرزندان دارند. والدین، با رویکرد تک‌گویی نصیحت‌گرای از بالا و آمرانه و سرزنش‌آمیز، انتظار تبعیت و پذیرش و اجرای یک‌جانبه منویات و گفته‌های خود را از سوی فرزندان دارند.

این نتایج نمایانگر همان چیزی است که بوبر آن را «روابط من‌آن» در ارتباطات میان فردی می‌خواند. در روابط من‌آن، با آن‌ها به صورت سطحی و در قالب نقش‌هایشان (فرزند، کودک، نوجوان و...) برخورد می‌کنیم نه به عنوان موجود انسانی و فردی خاص. در روابط من‌آن با افراد به مثابه فرد انسانی منحصر به فرد رفتار نمی‌کنیم؛ بلکه با آن‌ها همانند ابزاری برای

برآورده‌سازی دستورها و خواسته‌هایمان رفتار می‌کنیم. در شکل اغراق‌آمیز «روابط من آن»، دیگران حتی به حساب نمی‌آیند و دیده نمی‌شوند. در واقع، در خانواده‌های ناکارآمد والدین فرزندان را نادیده می‌گیرند و از گفت‌وگو کردن با آن‌ها اجتناب می‌کنند و با فرزندان همانند «اشیا» یا «آن» رفتار کنند نه همانند انسانی بی‌نظیر. این در حالی است که روابط گفت‌وگومحور «من تو»، از نظر بوبر، بالاترین شکل ارتباطات گفت‌وگوی بشری است؛ زیرا هر فردی فرد دیگری را به عنوان وجودی منحصر به فرد می‌پذیرد. زمانی که در سطح من تو تعامل می‌کنیم، دیگری را در کلیت و فردیت انسانی‌اش ملاقات می‌کنیم. در ارتباطات من تو، ما کاملاً خود را باز می‌کنیم و به دیگران اعتماد می‌کنیم تا ما را با همه خوبی‌ها، بدی‌ها، امیدها، ترس‌ها، قوت‌ها و ضعف‌ها بپذیرند. در واقع، اگر ارتباطات «من آن» از نوع رابطه «سوژه» و «ابژه» است، ارتباطات «من تو» از نوع ارتباط «سوژه» با «سوژه» است. دو سوی این ارتباط، به رغم تفاوت‌های (نگرشی، فکری و...) که دارند، در موضع برابرند و هیچ‌یک دیگری را وسیله دستیابی به اهداف خود نمی‌داند. در ارتباطات من تو ارتباطات برابر و افقی است و دو شخص با هم با احترام متقابل رفتار می‌کنند. هر کس از اندیشه دیگری استقبال می‌کند و این به معنای استفاده از دیگران برای رسیدن به اهداف خویش نیست؛ بلکه از روی احترام به دیگری است. بوبر این نوع ارتباط را گفت‌وگو یا دیالوگ می‌نامد که بالاترین و عمیق‌ترین نوع ارتباط است. دیالوگ ارتباطی است دوطرفه میان افراد که در آن هر کدام یکدیگر را می‌پذیرند؛ با یکدیگر سخن می‌گویند و مهم‌تر از همه، به اندیشه یکدیگر گوش فرامی‌دهند. یکی از پیامدهای فقدان ارتباطات گفت‌وگومحور و مشارکتی در خانواده در نتیجه پژوهش کلی و همکاران (۲۰۰۲) کشف شده است. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که افراد کم‌حرف و تودار دارای سطح پایینی از گفت‌و شنود در خانواده‌شان هستند. گفت‌و شنود اندک در خانواده و نبود ارتباطات کافی میان والدین و فرزندان سبب می‌شود که در آینده فرزندان کم‌حرف و تودار شوند و تمایلی به صحبت کردن درباره افکار، اتفاقات روزمره، برنامه‌ها و اهداف در خانواده یا در حضور دیگران نداشته باشند.

ارتباطات میان فردی گرچه باید بستر مهم انتقال و مبادله معانی، اطلاعات، افکار، اندیشه‌ها، تجربه‌ها، خاطرات، دغدغه‌ها، اهداف، برنامه‌ها، بینش‌ها و جهان بینی‌های بین والدین و فرزندان باشد؛ اما نتایج نشان داد که عمده‌ترین گفت‌وگوهای فرزندان و والدین در خانواده در مورد «فعالیت‌های آموزشی و درسی فرزندان و اتفاقات مدرسه و یا فعالیت‌های روزمره اعضای خانواده» است. گزارش فعالیت‌های روزانه فرزندان در محیط آموزشی و مدرسه و همچنین گزارش فعالیت‌های والدین در داخل خانه و محل کار والدین محور اصلی و پرننگ گفت‌وگوهای والدین و فرزندان است. می‌توان این نوع گفت‌وگو را «گفت‌وگوی گزارش محور یا

اطلاع‌رسان» نامید که در آن یک نفر سؤال می‌کند و دیگری گزارش می‌دهد. سهم بقیه موضوعات و محورها نظیر «به‌اشتراک‌گذاری تجربه‌ها و خاطره‌های والدین»؛ «بحث درمورد موضوع و محتوای یک فیلم یا کتاب»؛ «بحث درمورد برنامه‌ها و آرزوها و نقشه‌های آینده خانواده و فرزندان»؛ و همچنین «بحث‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی» بسیار کمتر بوده است. درواقع، گفت‌وگوهای والدین و فرزندان عمق چندانی ندارند و به نوعی تکرار و روزمرگی منجر می‌شوند و فاقد مزیت یادگیری و توسعه فکری و خلق معنای مشترک‌اند. لذا، با توجه به این اختلال‌های ارتباطی در تعامل والدین و فرزندان در خانواده باید چند توصیه سیاستی مهم را مورد توجه قرار داد:

گنجاندن بحث ارتباطات گفت‌وگومحور در خانواده در قوانین و سیاست‌های خانواده در اسناد بالادستی و تدوین سند ملی ارتباطات خانواده: اگر خانواده را سنگ‌بنای جامعه و نخستین کانون جامعه‌پذیری فرزندان بدانیم، لازم است تا نهادهای قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری کشور نظیر مجلس شورای اسلامی و همچنین معاونت امور زنان و خانواده ریاست‌جمهوری به اهمیت درک «ارتباطات میان‌فردی» در خانواده در تنظیم و تدوین سیاست‌های خانواده همت گمارند؛ زیرا الگوی ارتباطات میان‌فردی خانواده بر کمیت و کیفیت «روابط خانوادگی» و «روابط بین اعضای خانواده» تأثیر می‌گذارد. ساخت خانواده، به‌عنوان کوچک‌ترین خرده‌نظام اجتماعی، ترکیبی از روابط و نقش‌هاست. در این ساختار، نقش‌ها و روابط و تعامل اعضای آن بر مبنای آن ایجاد و حفظ می‌شود و توسعه می‌یابد. تجربه کمیت و کیفیت الگوهای ارتباطی تعامل و روابط بین والدین و فرزندان بر آینده اعضای آن به‌ویژه فرزندان تأثیر بسزایی می‌گذارد. اگر این الگوهای ارتباطی با تغییرات سایر ساختارهای جامعه همگام و همخوان نباشند، نمی‌توانند نقش‌آفرینی جدی‌ای در توسعه جامعه و شکل‌گیری نظام سالم اجتماعی داشته باشند. یکی از نتایج مهم تغییرات اجتماعی در ایران، همانند سایر جوامع مدرن، دموکراتیک‌شدن ساختارهای مختلف جامعه است. به نظر می‌رسد که خانواده پیش‌ران و عامل مهمی در دموکراتیک‌کردن جامعه از طریق به‌کارگیری الگوهای ارتباطات گفت‌وگومحور و تربیت فرزندان، ارتباط‌گران و شهروندان فعال، مشارکت‌گر، انتقادی، پذیرای دیگری، پذیرای تنوع و همزیستی، معتقد به همدلی و درک یکدیگر، ملتزم به همکاری در خلق معناها و احساسات مشترک با دیگران و ترسیم آینده مشترک مبتنی بر توافق و تفاهم جمعی است. بر همین اساس، باید بحث اهمیت و ضرورت برنامه‌ریزی و اجرای ارتباطات گفت‌وگومحور در خانواده در قوانین، سیاست‌ها، برنامه‌ها و اسناد بالادستی مورد توجه جدی قرار گیرد. اهمیت این موضوع در پیش‌برد اهداف خانواده و حفظ و پایدارسازی خانواده چنان است که به نظر می‌رسد تدوین سند ملی ارتباطات خانواده باید

در دستورکار نهادهای متولی به‌ویژه معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، وزارت آموزش و پرورش، وزارت کشور و وزارت ورزش و جوانان قرار گیرد.

ضرورت تغییر رویکرد گفت‌وگوی کوتاه بازجویانه مدرسه محور به گفت‌وگوی عمیق و

طولانی فرامدرسه‌ای در خانواده: در بیشتر خانواده‌ها، گفت‌وگوی گزارش محور و پرسش و پاسخ والدین با فرزندان درمورد فعالیت‌های آموزشی و درسی فرزندان و اتفاقات مدرسه و یا فعالیت‌های روزمره اعضای خانواده وجود دارد. این نوع گفت‌وگوهای بازجویانه و یک‌سویه که در آن یک نفر سؤال می‌کند و دیگری گزارش می‌دهد، تنها به گفت‌وگوی کوتاه، تکراری و غیرعمیق به‌منظور خبررسانی و اطلاع‌رسانی درمورد وضعیت و اتفاقات مدرسه منجر شده است. این در حالی است که گفت‌وگوهای عمیق در خانواده بیشتر حول محور تجربه‌ها و خاطره‌های والدین، محتوای فیلم یا کتاب، برنامه‌ها، آرزوها و نقشه‌های آینده خانواده و فرزندان شکل می‌گیرند. نظام حکمرانی، به‌منظور ایجاد و توسعه گفت‌وگوهای فرامدرسه‌ای عمیق و دوطرفه بین والدین و فرزندان، باید از ظرفیت نظام آموزشی و رسانه‌ای بهره بگیرد تا زمینه گفت‌وگوهای دارای مزیت یادگیری و توسعه فکری و خلق معنای مشترک بین والدین و فرزندان ترویج و تقویت شود.

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان، مقاله پیش رو فاقد هر گونه تعارض منافع بوده است.

منابع و مأخذ

- ایتکار، معصومه (۱۳۹۸). «گفت‌وگویی بین اعضای خانواده به ۲۰ دقیقه رسیده است». بازیابی شده در: <https://www.irna.ir/news/83393416>
- ایمانی، محسن و محمود شرفی (۱۳۸۸). «بررسی و مقایسه مراحل سه‌گانه تحول فکری مارتین بوبر». **فصلنامه اندیشه دینی**، شماره ۳: ۲۷-۵۶.
- بی‌من، ویلیام آ. (۱۳۸۷). **زبان، منزلت و قدرت در ایران**. ترجمه رضا ذوقدار مقدم. تهران: نشر نی.
- تجلی، فاطمه و الهام اردلان (۱۳۸۹). «رابطه ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده با خودکارآمدی و سازگاری تحصیلی». **فصلنامه روان‌شناسی**، شماره ۱: ۶۲-۷۸.
- حتجی، حمید، سید حمید شریف‌نیا، سمانه حسینعلی‌پور، فاطمه نیکخواه و حمید آسایش (۱۳۹۰). «تأثیر خاطره‌گویی گروهی بر احساس تنهایی و نیاز به تعلق خاطر سالمندان». **فصلنامه سلامت و مراقبت**، شماره ۱: ۳۵-۴۴.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۰). **دایره‌المعارف علوم اجتماعی**. تهران: کیهان.
- ساروخانی، باقر و مجتبی صدقاتی‌فرد (۱۳۸۸). «شکاف نسلی در خانواده: دیدگاه‌ها و بینش‌ها». **فصلنامه پژوهش نامه علوم اجتماعی**، شماره ۴: ۷-۳۱.
- سپهری، صفورا و شهلا پاکدامن (۱۳۸۹). «الگوهای ارتباطی خانواده و تعارضات فرزندان و والدین». **فصلنامه روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی**، شماره ۲: ۷۵-۹۲.
- شرفی، محمدرضا (۱۳۹۲). «مؤلفه‌ها و عوامل گسست نسل‌ها». در مجموعه مقالات **نگاهی به پدیده گسست نسل‌ها**، به اهتمام علی اکبر علیخانی. تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- شهرکی ثانونی، فریبا، علی نویدیان، علیرضا انصاری مقدم و مهدی فرجی شوی (۱۳۹۰). «بررسی رابطه الگوهای ارتباطی خانواده بر کیفیت زندگی نوجوانان». **فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده**، شماره ۱: ۱۰۱-۱۱۴.
- شیری، طهمورث و الناز رحمانی (۱۳۹۴). «تأثیر استفاده از وسایل نوین ارتباطی (لاین و تلگرام) بر وضعیت انسجام خانواده: مطالعه موردی منطقه یک تهران». **فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی ایران**، شماره ۱: ۹۹-۱۱۱.
- علینی، محمد (۱۳۹۳). «بررسی کارکردهای خانواده در شکل‌گیری سبک زندگی اسلامی». **فصلنامه اسلام و مطالعات اجتماعی**، شماره ۴: ۷۷-۱۰۷.
- فراحتی، مهرداد، علی فتحی آشتیانی و علیرضا مرادی (۱۳۹۰). «رابطه میان الگوهای ارتباطی خانواده و مهارت‌های ارتباطی نوجوانان». **فصلنامه خانواده و پژوهش**، شماره ۱۰: ۶۹-۸۶.
- فرهنگی، علی اکبر (۱۳۹۷). **ارتباطات انسانی**. تهران: رسا.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۹۷). **جامعه‌شناسی**. ترجمه منوچهر صبوری کاشانی. تهران: نی.
- مایرز، گیل. ای و میشله تی. میشله مایرز (۱۳۸۳). **بویایی ارتباطات انسانی**. ترجمه حوا صابر آملی.

تهران: نشر دانشکده صداوسیما.

محسنیان‌راد، مهدی (۱۳۹۶). **ارتباط‌شناسی**. تهران: سروش.

نیستانی، محمدرضا (۱۳۹۴). **اصول و مبانی دیالوگ روش شناخت و آموزش**. اصفهان: آموخته.

Bova, A. (2012). **Argumentation between parents and children; A study of family discussions at mealtime**. Phd thesis. In Faculty of Communication Sciences, Università della Svizzera Italiana.

Brooks, W. & Heath, R. (1993). **Speech communication**. Dubuque, IA: W.C. Brown.

Burns, N. & Grove, K. C. (2007). **Understanding Nursing Research**. Philadelphia W.B.

Carr, A. (2012). **Family therapy: Concepts, process, and practice**. Malden: John wily & Sons.

Goldenberg, H. & Goldenberg, I. (2008). **Family Therapy: An overview**. Los Angeles: Thomas Brooks/Cole.

Hartley, P. (1999). **Interpersonal Communication**. London: Routledge.

Kelly, L., Keaten, J. A., Finch, C., Duarte, I. B., Hoffman, P. & Michels, M. M. (2002). 'Family communication paterens and the development of reticence'. **Communication Education**, 51, 202-209.

Koerne, A.F., Scharodt P. & Fitzpatrick, M. A. (2017). **Family Communication Patterns Theory: A Grand Theory of Family Communication**. in book, **Engaging Theories in Family Communication Multiple Perspectives**. New York, NY: Routledge.

Morrow, R., Rodriguez, A. & King, N. (2015). 'Colaizzi's descriptive phenomenological method'. **The Psychologist**, 28 (8), 643-644.

Pearce, W. B. & Pearce, K. A. (2004). 'Taking a communication perspective on dialogue'. In R. Anderson, L. A. Baxter, & K. N. Cissna (Eds.), **Dialogue: Theorizing difference in communication studies** (pp. 39-56). Thousand Oaks, CA: Sage.

Peterson, R. & Green, S. (2009). 'Families First: Keys to Successful Family Functioning Communication'. Retrieved from: <https://vtechworks.lib.vt.edu/handle/10919/48300>

Thakkar, V. & Sheth, N. (2014). 'Communication Patterns between Adolescents and their Parents'. Retrieved from: <http://ijmcr.com/wp-content/uploads/2014/06/Paper9565-572.pdf>

Wood, J. T. (2016). **Interpersonal Communication: Everyday Encounters**. Eighth Edition Boston: Cengage Learning.